

به نام یزدان بخشاینده

# حکایت خط لوله

چگونه هر کسی می تواند

خط لوله ای از در آمد انفعالی تکرار شونده

در اقتصاد جدید ایجاد کند

نویسنده: پرک هجر

مترجم: محسن ذبیحی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۱

سرشناسه : هجز، برک

Hedges, Burke

عنوان و نام پدیدآور : حکایت خط لوله: چگونه هر کسی می تواند خط لوله‌ای از درآمد انفعالی تکرارشونده در اقتصاد جدید ایجاد کند/ نویسنده برک هجز؛ مترجم محسن ذبیحی.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.:: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۲-۸۲۷-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸: ۷۵۰۰۰ تومان

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Parable of the Pipeline: How Anyone Can Build a Pipeline of Ongoing Residual Income in the New Economy, ۲۰۰۷.

موضوع: موفقیت در کسب و کار Success in business

میلیونرها Millionaires بازاریابی چندسطحی Multilevel marketing

شناسه افزوده: ذبیحی، محسن، ۱۳۶۵-، مترجم

رده بندی کنگره: HF۵۳۸۶

رده بندی دیویی: ۶۵۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۳۳۷۲۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: حکایت خط لوله

نویسنده: برک هجز

مترجم: محسن ذبیحی

www.MohsenZabihi.com

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

چاپ: مدیران

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی:

https://Chaponashr.ir/mohsenzabihi

شابک: ۲-۸۲۷-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۵۱۷۶۷۱

www.Chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



---

همه حقوق محفوظ و تنها متعلق به مترجم می‌باشد.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه مکتوب مترجم قابل بازنشر، تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی اعم از چاپ سنتی و دیجیتال، کپی، انتشار الکترونیکی و یا قرار دادن مطالب بر روی وبسایت‌ها نیست.

این اثر تحت پوشش بند ۵ ماده ی ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران و قوانین مربوط به جرایم رایانه ای کشور قرار دارد و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند



---

---

## شما می‌توانید همسایه میلیونر شوید!

---

صد سال پیش، میلیونر شدن برای فرد عادی تقریباً غیرممکن بود. به آمار شیوه‌های زندگی در آغاز قرن بیستم توجه کنید.

در سال ۱۹۰۰، میانگین دستمزد در ایالات متحده ۲۲ سنت در ساعت بود. یک کارگر عادی به طور متوسط بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ دلار در سال درآمد داشت که بسیار کمتر از خط فقر در آن زمان بود. فقط ۶٪ از کل آمریکایی‌ها از دبیرستان فارغ التحصیل شده بودند. امید به زندگی ۴۷ سال بود. فقط ۱۴٪ از خانه‌ها در حمام وان داشتند. در ایالات متحده ۸ هزار اتومبیل وجود داشت و فقط ۱۴۴ مایل جاده آسفالته بود. تا جنگ جهانی اول، خانواده طبقه متوسط آمریکایی ۸۰٪ از درآمد خود را صرف مایحتاج اولیه از قبیل غذا، سرپناه و لباس می‌کردند.

در یک کلام، ۱۰۰ سال پیش، اساساً دو طبقه اقتصادی وجود داشت: طبقه ثروتمندان و بقیه مردم. از هر ۱۰ خانوار تنها یک خانواده در طبقه ثروتمند یا طبقه متوسط قرار داشت. این بدان معناست که در سال ۱۹۰۰، ۹۰٪ از مردم ایالات متحده در طبقه فقیر قرار داشتند.

## هنوز طبقه متوسط با بیشتر درآمد ماهیانه خود تنها می‌توانند هزینه‌های ماهیانه را پوشش دهند

صد سال جلو بروید، بروید به سال ۲۰۰۱.

امروز، میانگین درآمد خانوار ۴۷ هزار دلار است. در این کشور تعداد خودروها از مردم بیشتر است. اکثر خانواده‌ها حداقل دو تلویزیون دارند. امید به زندگی ۷۵ سال است. امروز، قشر متوسط نسبت به گذشته از درآمد خالص بیشتری برخوردارند، همچنین اوقات فراغت و گزینه‌های شغلی بیشتری در اختیار دارند.

با این حال بیشتر ۷۲ میلیون خانواده در کشور هنوز با حقوق ناچیز زندگی می‌کنند. اگر دارائی خالص خانواده، اتومبیل و وسایل را در یک خانواده معمولی در نظر نگیریم، موجودی خانواده صفر می‌شود. صفر! در حالی که درآمد خانوار زیاد است، بدهی و ساعاتی که خانواده صرف کارکردن می‌کند، افزایش می‌یابد.

مشکل این تصویرسازی چیست؟

### آیا این سیستم را اشتباه متوجه شده اید؟

آنچه که اشتباه است این است که بسیاری از مردم راه را اشتباه رفته‌اند. آنها اشتباه متوجه سیستم شده‌اند. آنها چگونگی خلق و جمع‌آوری ثروت را به درستی درک نکرده‌اند.

می‌خواهم با جسارت تمام جمله‌ای بگویم که ممکن است شما را شوکه کند. اما این جمله کاملاً حقیقت دارد. آماده اید؟

حقیقت ساده و محض این است که امروزه میلیونر شدن یک انتخاب

است، نه یک شانس!

همین طور است - امروزه تقریباً هر کسی که درآمدی درحد متوسط دارد، می تواند میلیونر شود. غیرممکن است؟ نه اصلاً. در واقع، بسیار ساده است.

اگر امروز می خواهید میلیونر شوید، تنها کاری که باید انجام دهید این است که این سه گام را انجام دهید:

(۱) بفهمید که چگونه ثروت را خلق کرده و چگونه آن را جمع آوری کنید.

(۲) از روی سیستم های اثبات شده خلق ثروت تقلید کنید.

(۳) در طول زمان ثابت قدم باشید.

همین - این کل کاری است که افراد عادی برای جمع آوری یک میلیون دلار دارایی و سرمایه به آن نیاز دارند: درک، تقلید و ثبات قدم.

### آنچه که از این کتاب می آموزید:

در این کتاب راهکارهای ثابت شده ای را می آموزید که افراد عادی برای آزادی مالی واقعی برای خود و خانواده از آنها پیروی می کنند. پیروی از این راهکارها ساده است و تاثیر آن در طولانی مدت مشخص خواهد شد. و این راهکارها طی ۵۰ سال گذشته، میلیون ها میلیونر خلق کرده است.

میلیونر شدن دیگر خوش شانسی محسوب نمی شود. بلکه صرفاً به یادگیری و پیروی از راهکارهای اثبات شده برای خلق ثروت مربوط می باشد.

بر اساس اظهارات کتاب پرفروش همسایه میلیونر، "اکثریت قریب به

اتفاق میلیونرها از نسل راکفلرها<sup>۱</sup> یا واندربیلت ها<sup>۲</sup> نیستند. بیش از ۸۰٪ میلیونرها افرادی عادی هستند که ثروت خود را در یک نسل جمع کرده اند. در این مورد فکر کنید- بیش از ۸۰٪ (از میلیونرها) از افراد عادی هستند. این آمار گفته‌های سابق من را اثبات می‌کند- امروز، میلیونر شدن یک شانس نیست بلکه یک انتخاب است.

هدف من از نوشتن حکایت خط لوله این است که راهکارهایی را به شما بیاموزم که چندین قرن ثروتمندان برای ایجاد و جمع آوری ثروت از آن استفاده کرده اند. این راهکارها زمانی فقط مختص اقلیت برتر و ممتاز بود. حتی اگر به این راهکارها که به سال ۱۹۰۰ مربوط می‌شود آشنا می‌بودید، به احتمال زیاد نه پول نقد و نه تجربه‌ای داشتید که بتوانید از آنها بهره‌گیری کنید. اما امروزه اینطور نیست.

امروزه، به دلیل پیشرفت فناوری، افزایش دستمزد طبقه متوسط و یک مدل کسب و کار ابتکاری که من آن را "بازاریابی شبکه‌ای" می‌نامم، تقریباً هر فردی در طبقه متوسط با تحصیلات دبیرستان یا بالاتر، برای ایجاد آزادی مالی و زمانی می‌تواند پول، زمان و روابط خود را به شدت ارتقا بخشد.

با پیروی از راهکارهای ذکر شده در این کتاب، شما هم می‌توانید یکی از همسایگان میلیونر شوید. به این همسایگی خوش آمدید!

ارادتمند

برک هِجِز

---

1. Rockefeller

2. Vanderbilt



---

---

## فهرست

---

- پیشگفتار نویسنده : خطوط لوله، شاهرآه زندگی شما هستند .... ۱۱
- تقدیمی نویسنده ..... ۱۷
- تقدیمی مترجم ..... ۱۹
- داستان اصلی : حکایت خط لوله ..... ۲۱
- بخش ۱ : ما در جهان حمل‌کنندگان سطل زندگی می‌کنیم ..... ۳۱**
- درس اول : شما کدامیک هستید، حمل‌کننده سطل؟ یا سازنده خط لوله؟ ..... ۳۳
- درس دوم : ما در جهان حمل‌کنندگان سطل زندگی می‌کنیم ..... ۴۱
- بخش ۲ : خطوط لوله شاهرآه زندگی شما هستند ..... ۵۵**
- درس سوم : قدرت خط لوله ..... ۵۷
- درس چهارم : اهرم سازی : قدرت موجود در پشت خط لوله ..... ۶۹
- درس پنجم : اهرم پولی : خط لوله پالم بیچ ..... ۷۹
- درس ششم : اهرم زمان : خط لوله مردم ..... ۹۳
- بخش ۳ : خط لوله نهایی ..... ۱۰۷**
- درس هفتم : بازاریابی شبکه‌ای : خط لوله نهایی ..... ۱۰۹
- درس هشتم : شما طرح ۵۰ ساله را ترجیح می‌دهید یا طرح ۵ ساله را؟ ..... ۱۲۷
- نتیجه‌گیری : حکایت خط لوله نهایی ..... ۱۴۱
- آشنایی با نویسنده ..... ۱۵۹



---

---

## پیشگفتار نویسنده

---

### خطوط لوله، شاهراه زندگی شما هستند

۲۵ سال از فوت پدرم می‌گذرد. اما انگار دیروز بود، هنوز هم به یاد می‌آورم که عصرها شطرنج بازی می‌کردیم.

به یاد دارم که به پدرم کمک می‌کردم تا تخته شطرنج را در ایوان خانه ساحلی مان بچیند که مشرف به اقیانوس آرام در سواحل اکوادور بود.

به خاطر می‌آورم که به تماشای موج‌هایی می‌نشستم که در برابر ساحل ماسه سفید شکسته می‌شدند.

عطر گل ختمی را به یاد می‌آورم که روی مه دریای شور شناور بود.

نور زرد ملایم خورشید را به یاد می‌آورم که در زیر افق خاکستری فولادی رنگ محو می‌شد.

پدرم می‌گفت تا تاریکی شب شطرنج بازی کنیم و من هم اطاعت می‌کردم.

به یاد دارم پدرم در حالیکه به افق خیره می‌شد، بارها گفته بود "آنچه که در حد فرضیه است را هرگز امری بدیهی تلقی نکن"

## یک شبه از شاهزاده به گدا تبدیل شدن

"آنچه را که فرضیه است، هرگز بدیهی تلقی نکنید"

پدرم به سال ۱۹۵۹ اشاره داشت، سالی که کاسترو کوبا را تصرف کرد. قبل از انقلاب، پدرم یکی از ثروتمندترین افراد کوبا بود. طبق مقاله‌ای در مجله تایم، پدر من بیش از ۲۰ میلیون دلار ثروت داشت (که حداقل معادل ۲۰۰ میلیون دلار امروز است). وی مالک ۱۲ کسب و کار مختلف از جمله کارخانه‌های پنبه، فروشگاه‌های خرده فروشی، کارخانه نساجی، کارخانه تولید مواد شیمیایی و املاک و مستغلات تجاری بود.

وقتی کاسترو امور کشور را به دست گرفت، پدر و مادرم، تمام دارائیشان را رها کرده و فقط با یکدست لباس به جامائیکا فرار کردند. کسب و کارها و حساب‌های بانکی پدرم به خاطر آنچه که کمونیست‌ها آن را "جنایات علیه مردم" نامیدند، مصادره گردید.

تنها "جرم" پدر من موفق بودن و پس از آن بدیهی دانستن آن موفقیت بود. با نگاهی به گذشته و درک آن شرایط می‌توان گفت که او می‌بایست مقداری از دارایی خود را به خارج از کشور منتقل می‌کرد. او این امر را مسلم می‌دانست که کاسترو هرگز قادر به سرنگونی حکومت نخواهد بود.

پدرم اشتباه می‌کرد و این مسئله به قیمت از دست رفتن تمام دارایی‌اش تمام شد.

## گوشزد خط لوله

پدرم تمام تلاشش را برای بازسازی کسب و کار خود انجام داد. اما شرایط بد اقتصادی و ذهنیت بد مانع از بازگشت او به وضعیت سابق شد. او در روزهای آخر عمر خود ناراحت نبود. فقط از اینکه وقتش تمام شده بود، ناامید شده بود.

در حین بازی شطرنج، پدرم تمام تلاش خود را می‌کرد تا اصول کلیدی را به من بیاموزد. اصولی که باعث شد در حالیکه وی هنوز در دهه ۴۰ عمر خود قرار داشت، بتواند ثروت کلانی بدست آورد.

پدرم اغلب درباره اهمیت مالکیت کسب و کار شخصی با من صحبت می‌کرد. منظورش از مالکیت، استقلال و کنترل بود. به نظر پدرم، هرچه کسب و کارهای بیشتری از آن شما باشد، بهتر است.

او می‌گفت خطوط لوله شاهراه زندگی شما هستند.

من درس‌های پدرم را با جان و دل یاد می‌گرفتم. اولین کسب و کار خود را در حالیکه فقط ۲۵ سال داشتم راه اندازی کردم. امروز صاحب چندین کسب و کار هستم که به سرعت در حال رشد هستند.

از قضا، یکی از شرکت‌های من، اکویبور<sup>۱</sup>، تجارت خط لوله است. معنای تحت اللفظی کلمه اکویبور نصب کانال زیرزمینی است که شرکت‌های ارائه دهنده خدمات آب، برق، گاز و غیره در "اقتصاد قدیم"<sup>۲</sup> از آن برای قرار دادن خطوط لوله گاز و آب استفاده می‌کنند. شرکت‌های مخابراتی "اقتصاد جدید" از این کانال برای کابل‌های فیبر نوری که خطوط لوله آینده هستند استفاده می‌کنند.

---

1. Equibore

۲. اقتصادی که بر فناوری یا پیشرفت فناوری تکیه نداشت

## پدر ثروتمند من، پدر ثروتمند او

پدر من اعتقاد زیادی به تنوع طلبی داشت. به همین دلیل اکثر ۱۲ کسب و کار متفاوت او در صنایع مختلف بودند.

او درحالیکه یکی از مهره‌های شطرنج من را بیرون می‌انداخت، گفت "اگر فقط یک خط لوله داشته باشی، در نتیجه فقط یک شاهراه زندگی داری. هرچه تعداد بیشتری خط لوله داشته باشی، بهتر است".

چند ماه پیش با نوار صوتی رابرت کیوساکی<sup>۱</sup> تحت عنوان "آنچه پدر ثروتمندم در مورد سرمایه‌گذاری به من آموخت"<sup>۲</sup> روبرو شدم. کیوساکی داستان کوتاهی نقل می‌کند که در آن دو مرد جوان استخدام شده بودند تا آب را از یک دریاچه به روستای خود ببرند، درحالیکه دریاچه در یک مایلی روستا قرار داشت. یکی از جوانان برای حمل آب از سطل استفاده می‌کرد، درحالیکه دیگری خط لوله‌ای ساخت. پس از گذشت سالها، مرد جوانی که خط لوله را ساخته بود بسیار جلوتر از مردی بود که با سطل آب را حمل می‌کرد.

صدای ضبط شده کیوساکی یادآور دروسی بود که پدرم ۲۵ سال پیش به من آموخت. عصر همان روز به خانه رفتم و ۱۰ صفحه یادداشت برای یک کتاب جدید نوشتم که در آن برابری بین خطوط لوله و شاهراه زندگی توضیح داده شده و خوانندگان را ترغیب می‌کرد که جریان‌های درآمدی خود را با ساخت خطوط لوله کوتاه مدت و بلند مدت تنوع ببخشند.

من این کتاب را "حکایت خط لوله" نامگذاری کردم. سه ماه بعد دست

1. Robert Kiyosaki

2. My Rich Dad Taught Me About Investing

پیشگفتار نویسنده : خطوط لوله، شاهراه زندگی شما هستند

نویسم را به ناشر تحویل دادم. نتیجه همین کتابی است که اکنون شما در دست دارید.

## ساخت خط لوله خودتان

در طول سالها از توصیه‌های پدرم استفاده کردم و چندین خط لوله سودآور ساختم. هنوز نه مثل او صاحب ۱۲ کسب و کار هستم و نه ثروتی معادل ۲۰ میلیون دلار دارم.

اما در حال کار بر روی این هدف هستم.

خطوط لوله طوری طراحی می‌شوند که با سودآوری برای افراد، نگرانی را از زندگی آنها دور کنند. اما از همه مهم‌تر، خطوط لوله طراحی شده اند تا به آنها آزادی مالی، زمانی و امنیت مادام‌العمر بدهند. به طور خلاصه خطوط لوله، شاهراه زندگی هستند.

یک دیکتاتور موجب شد که پدرم شاهراه زندگی را از خودش بگیرد. و او هرگز به شرایط موفقیت سابق خود بازنگشت. مردم این کشور (ایالات متحده) خوشبخت هستند - ما هرگز شاهراه زندگی خود را توسط یک دیکتاتور از دست نخواهیم داد.

فقط می‌توانیم شاهراه زندگی را از خودمان بگیریم.

چگونه؟

با عدم ابتکار عمل در ساخت آنها!

از پدرم عبرت بگیرید - این امر را بدیهی ندانید که فردا دقیقاً همانند امروز خواهد بود. زیرا اینگونه نیست.

تنها امنیت واقعی، امنیت خط لوله است.

شما را ترغیب می‌کنم که امروز ساخت خط لوله خود را شروع کنید تا فردا شاهراه زندگی خود را داشته باشید.



---

---

## تقدیمی نویسنده

---

تقدیم به :

هرکسی که درایت آن را دارد که

سازنده یک خط لوله شود ...

و مشتاق است که این دانش را با دیگران به اشتراک بگذارد.



---

---

## تقدیمی مترجم

---

تقدیم به :

روح مادرم

اسطوره فداکاری و مهربانی



---

---

## داستان اصلی

---

# حکایت خط لوله<sup>۱</sup>

سال ۱۸۰۱، دره‌ای در ایتالیای مرکزی

روزی روزگاری در زمان‌های بسیار بسیار قدیم، دو پسرعموی جوان و جاه‌طلب به نام‌های پابلو<sup>۲</sup> و برونو<sup>۳</sup> در روستایی کوچک در ایتالیا در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند.

این دو جوان بهترین دوستان هم و رویاپردازانی بزرگ بودند.

آن‌ها دائما در این باره صحبت می‌کردند که چطور روزی، به طریقی، ثروتمندترین مردان روستا شوند. هردوی آن‌ها باهوش و سخت‌کوش بودند. تنها چیزی که نیاز داشتند، فرصت بود.

یک روز آن فرصت از راه رسید. مردم روستا تصمیم گرفتند دو نفر را استخدام کنند تا آب را از رودخانه آن اطراف به آب‌انباری انتقال دهند که

---

1. *The Parable of the Pipeline*

2. *Pablo*

3. *Bruno*

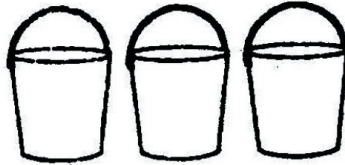
در میدان روستا بود. این کار به پابلو و برونو محول شد.

هر کدام از دو جوان دو سطل برداشتند و عازم رودخانه شدند. در پایان روز، آب انبار را تا لبه پر کردند. کدخدای روستا برای هر سطل آب یک پنی به آن‌ها پرداخت کرد.

برونو فریاد زد: "این رویای ماست که رنگ واقعیت به خود می‌گیرد. نمی‌توانم این شانس عالی را باور کنم."

اما پابلو چندان مطمئن نبود.

کمرش درد گرفته و دست‌هایش در نتیجه حمل سطل‌های سنگین تاول زده بود. پابلو از اینکه فردا صبح از خواب بیدار شده و به سرکار برود، دلهره داشت. عزم خود را جزم کرد تا برای آوردن آب از رودخانه به روستا راه بهتری پیدا کند.



### پابلو، مرد خط لوله‌ای

صبح روز بعد هنگامی که پابلو و برونو سطل‌هایشان را به دست گرفتند و عازم رودخانه شدند پابلو گفت: "برونو، من یک طرح دارم. به جای اینکه هر روز در ازای دریافت چند پنی، مدام سطل‌ها را ببریم و بیاوریم، بیا یک خط لوله از رودخانه به روستا بکشیم."